

نگاهی به قصص الانبیاء قطب الدین راوندی (د ۵۷۳ق)

* عباسعلی مردمی

معتبرترین منبع در نقل قصص پیامبران، قرآن کریم است؛ خداوند متعال به اغراضی به تاریخ و قصه انبیای گذشته اشاره کرده و ۲۷ تن از پیامبران را به نام ذکر کرده است. چند نکته درباره قصص قرآنی شایان ذکر است:

الف) عدم آگاهی کامل مردم جزیره العرب از قصص قرآنی
بنا به شهادت قرآن که برخی از داستانهای پیامبران را از ناحیه غیب می‌داند اطلاع مردم جزیره العرب از داستان پیامبران یا ناقص بوده یا چیزی در آنباره نمی‌دانسته‌اند. نیز آنچه را که علمای یهود به عنوان داستان پیامبران نقل می‌کردند ناقص و در بسیاری اوقات تحریف شده بوده است:

در ذیل قصه نوح علیهم السلام در سوره هود می‌فرماید:

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيَ إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ

هَذَا فَاصِرٌ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُنْتَقِيْنَ (هود: ۴۹)

آیه تصریح دارد در اینکه رسول خدا و قومش از جزئیات این قصه به این تفصیل آگاه نبوده‌اند.

* پژوهشگر.

نیز در سوره یوسف می فرماید:

ذلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَ هُمْ يَكْرُونَ (یوسف (۱۲) / ۱۰۲)

همچنین در قصه مریم بیان می کند که آن از اخبار غیبی بود که به رسول خدا

وحی شد:

ذلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَعْشُمْ يَكْفُلُ مَرْءَيمَ (آل عمران (۳) / ۴۴)

ب) امر به خواندن و عبرت آموزی از قصص قرآنی

در قرآن امر شده است که مسلمانان قصص را بخوانند تا شاید که تفکر کنند:

فَاقْصُصِ الْفَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (اعراف: ۱۷۶)

در کنار این، امیر المؤمنین علیه السلام ما را به خواندن احوال گذشتگان و عبرت گرفتن از

آنان سفارش می کند:

وَ تَدَبَّرُوا أَحْوَالَ الْمُأْتَصِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ كَيْفَ كَانُوا فِي حَالٍ تَّحْيِصُ وَ الْبَلَاءُ، أَمْ يَكُونُوا أَتْقَلَ الْخَلَائِقِ أَعْبَاءً وَ أَجْهَدَ الْعِبَادِ بَلَاءً وَ أَضْيَقَ أَهْلَ الدُّنْيَا حَالًا...

در احوالات مؤمنین گذشته اندیشه کنید، که چگونه در حال آزمایش و امتحان بودند! آیا از همه خلائق مشکلاتشان بیشتر نبود؟

آیا بیش از همه مردم در زحمت و رنج نبودند؟ آیا از همه مردم دنیا در تنگنای بیشتری قرار نداشتند؟ فرعونه آنان را برده خود ساختند، و به عذاب سخت کشیدند، جرעה تلخی به آنان نوشاندند، پیوسته در ذلت هلاکت، و مورد سلطه و استیلا بودند، چاره‌ای برای سر باز زدن، و راهی برای دفاع نمی‌یافتدند. تا چون خداوند جدیت آنان را در صبر بر آزار در راه محبتش، و تحمل ناراحتی‌ها را در

مسیر بیم و خوفش از آنان دید، گشايشی از تنگناهای بلا برای آنان قرار داد، ذلّشان را به عزّت و بیمشان را به امنیت تبدیل کرد، پس سلاطین حکمران، و پیشوایان راهنمای شدند، و کرامت خداوند در باره آنان به جایی رسید که خیالش هم درباره آنان نمی‌رفت.

بنگرید چگونه بودند زمانی که اجتماع‌عاشران متحده، خواسته‌ها یاش مستقق، دلها معتمد و مناسب، دستها پشتیبان هم، و شمشیرها مدد کار یکدیگر، چشم دلشان نافذ، و تصمیم‌ها یاشان یکی بود! آیا با این خصال آفای سراسر زمین نبودند، و بر جهانیان حکومت نمی‌کردند؟

از طرفی به پایان کارشان نظر کنید که به کجا رسید زمانی که بینشان جدایی افتاد، الفتاشان به پراکندگی رسید، وحدت کلمه و دلها یاشان به اختلاف مبدل شد، دسته دسته شده، به جنگ با هم برخاستند، خداوند لباس کرامت را از وجودشان به در آورد، و نعمت فراوانش را از آنان گرفت، و داستان زندگی آنان در بین شما به عنوان درس عبرتی برای عبرت گیرنده‌گان شما باقی ماند.

سپس به عنوان نمونه سرگذشت اولاد اسماعیل و اسحاق و یعقوب - درود خدا بر آنان - ذکر می‌کند و اندرز می‌دهد که: «پند گیرید».

نیز در وصیتش به امام حسن عسکری از جمله مواردی را که برای زنده نگه داشتن دل بیان می‌کند عرضه کردن اخبار گذشتگان است:

دل را با موقعه زنده کن، و با بی رغبتی به دنیا بمیران، آن را با یقین قوی کن و با حکمت نورانی نما، و با یاد مرگ فروتن و خوار کن... اخبار گذشتگان را به او ارائه کن، آنچه را بر سر پیشینیان آمد به یادش آور، در شهرهای آنان و در میان آثارشان سیاحت کن، در آنچه انجام دادند و اینکه از کجا منتقل شدند و در کجا فرود آمدند و منزل کردن دقت کن...

پسرم! اگر چه من به اندازه مردمی که پیش از من بوده‌اند عمر نکرده‌ام، ولی در

کر دارشان دقّت، و در اخبارشان فکر نموده، و در آثارشان سیاحت کرده‌ام، تا جایی که همانند یکی از آنان شده‌ام، بلکه گویی از پی آنچه که از وضع آنان به من رسیده عمرم را با اولین و آخرینشان گذرانیده‌ام، زلال اعمالشان را از تیرگی، و سود و زیان کر دارشان را شناختم....

ج) فواید قصص قرآنی

خواندن قصص قرآنی ثمراتی دارد از جمله:

۱. اثبات رسالت رسول خدا ﷺ؛ برخی از قصه‌های قرآنی را علمای یهود به طور ناقص یا تحریف شده نقل می‌کردند؛ اما قرآن این داستان‌ها را از کانال وحی و به عنوان اخبار غیبی به رسول خدا نازل کرد تا اثبات رسالت حضرت باشد: «**نَقْصٌ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصْصِ إِمَّا أُوحِيَ إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنُ وَ إِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمْ يَنْعَلِمْ بِالْأَغْافِلِينَ**» (یوسف: ۳)

۲. بیان یکپارچگی خط تبلیغی پیامبران؛

۳. قوت دل به مؤمنان؛ اینکه مسلمانان زمان رسول خدا یا دوره‌های بعدی دچار گرفتاری و مشکلات در برابر ظالمان هستند امر تازه‌ای نیست و بسیاری از مؤمنان در طول تاریخ این گرفتاری‌ها را داشته‌اند و توanstه‌اند با ایمان به خدا، وحدت کلمه و... صبر پیشه گیرند تا نصرت الهی رسیده است.

۴. قوت قلب رسول خدا ﷺ؛ «**وَكُلًاً نَقْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرَّسُولِ مَا نَثَبَتْ بِهِ فُؤادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحُقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ**» (هود: ۱۲۰)

۵. بیان نعمتها‌یی که به پیامبران و انبیاء و مؤمنان عطا شده است.

۶. رد و آشکار ساختن برخی از تحریف‌های علمای یهود از ساحت پیامبران الهی؛ در بسیاری از داستانهای علمای یهود نسبت‌های ناروا به پیامبران داده می‌شد که با شخصیت الهی آنان سازگاری نداشت. برخی از این داستانها به متون اسلامی راه یافته و با عنوان اسرائیلیات شناخته می‌شوند.

۷. عبرت آموزی و تفکر؛ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولَئِكَ الْأَلْبَابِ» (یوسف: ۱۱۱)؛
«فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف: ۱۷۶)

د) کتابشناسی کتابشناسی‌های قصه‌های قرآن

به کتابشناسی قصه‌های قرآنی چندین بار پرداخته شده است: از جمله آقای غلامرضا عرفانیان در مقدمه تصحیح قصص الانبیاء راوندی ۱۷۴ کتاب و منبع درباره قصص انبیاء معرفی کرده است.

آقای مهدی خراسانی در مجله آینه پژوهش (سال سوم، شماره ۱۵) در مقاله «پژوهشی در داستانهای قرآن» ۵۵ کتاب را معرفی کرده است.

در تکمیل آن آقای محمدعلی هاشم‌زاده مقاله «استدراک کتابشناسی قصه‌های قرآن» را در آینه پژوهش (شماره ۲۰) نوشت که در بردارنده ۴۰۵ مقاله و کتاب است.

بر اینها بیفزاییم جلد دوم کتاب معجم الدراسات القرآئیه آقای عبدالجبار الرفاعی و کتابنامه بزرگ قرآن کریم به اشراف آقای محمد حسن بکائی را که افزون بر کتابها پایاننامه‌های دانشگاهی مربوط به قصص قرآن را هم نام برده‌اند.

آقای محمد حسین صادق پور نیز با اشراف به منابع پیشین در مقاله کتابشناسی قصه‌های قرآن ۴۶۴ عنوان کتاب و مقاله را نام برده است.

جز اینها کتاب «کتابشناسی قصه‌های قرآنی، پیامبران، ائمه، صحابه» (به کوشش واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی سازمان اوقاف و امور خیریه، دبیرگروه حسین حداد، انتشارات اسوه، چ اول، پاییز ۱۳۷۴ش) در چهار بخش فهرست قصه‌های قرآنی برگرفته از مطبوعات کودکان و نوجوانان، فهرست قصه‌های قرآنی برگرفته از کتابهای داستانی بزرگسالان، و فهرست قصه‌های قرآنی برگرفته از مطبوعات بزرگسال در مجموع ۱۱۷۲ عنوان را ذکر کرده است.

بر اینها بیفزاییم ۲۰ کتاب قصص و تاریخ انبیاء مصادر کتاب البوّة شیخ صدوق را که آفای سید حسن موسوی در مقاله‌اش نام برده و در کتابشناسی‌های نامبرده، ذکر نشده‌اند.

اینها همه نشان دهنده اهتمام دانشمندان و نویسنده‌گان به قصص قرآنی و علاقه مردم به این امر است.

قطب الدین راوندی (د ۵۷۳ق)

شیخ قطب الدین، ابو الحسن یا ابو الحسین، سعید بن عبدالله بن حسین بن هبة‌الله بن حسن راوندی کاشانی، متولد راوند کاشان، محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و تاریخ دان بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است. گاهی اوقات او را به جدش نسبت داده و سعید بن هبة الله راوندی معرفی می‌کنند. پدر و پدر بزرگ قطب راوندی از علمای بزرگ زمان خود بودند.

وی تحصیلات ابتدایی را نزد پدر خویش آموخت. علمایی چون شیخ ابو علی فضل بن حسن طبرسی (صاحب مجمع البیان درگذشته ۵۴۸ق)، عماد الدین محمد بن ابی القاسم طبری (صاحب بشارۃ المصطفی، زنده در ۵۵۳ق)، صفی الدین مرتضی رازی (مؤلف تبصره‌العوام)، شیخ ابو جعفر حلبی، ابو نصر غازی (د ۵۳۲ق)، و ... از اساتید و مشایخ مشهور او هستند.

از شاگردان و راویان او می‌توان فرزندانش نصیر الدین حسین بن سعید و ظهیر الدین محمد بن سعید و عماد الدین علی راوندی، قاضی احمد بن علی بن عبد الجبار طوسی، قاضی جمال الدین علی بن عبد الجبار طوسی، کمال الدین علی بن محمد مدائنی، شیخ متتجنب الدین رازی (زنده در سال ۴۰۰ع) و رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (د ۵۸۸ق) را نام برد.

قطب الدین در آثار خود موضوعات متنوعی از علوم و معارف اسلامی را به بحث گرفته و در علم تفسیر، فقه، حدیث، فلسفه، کلام، تاریخ و دیگر موضوعات

حدود ۶۰ عنوان کتاب از خود به جای گذارده است که عناوین زیر از آن جمله‌اند: فقه القرآن، شرح آیات الأحكام، الاختلاف بين المفید و المرتضى في بعض المسائل الكلامية، أسباب التزول، الأغراض في الإعراب، اللقب الرسول و فاطمة و الأئمة عليهم السلام، جواهر الكلام في شرح مقدمة الكلام، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، الخرائج و الجرائح، فقه القرآن، ضياء الشهاب، لب الباب، المجالس في الحديث، سلواة الحزين (دعوات)، قصص الانبياء، نفائث المصدور و قطب الدين راوندی دیگران را - چه موافق و چه مخالف - به درستی نقل می‌کند و مانند انسانی که حق را برای حق می‌خواهد به کاوش در آثار دیگران می‌پردازد. از این رو، کسانی که در صدد معرفی وی برآمده‌اند عباراتی را درستایش شأن و منزلت او به کار برده‌اند.

قصص الانبياء

علاقة ورغبت مردم به دانستن جزئیات زندگانی پیامبران باعث شد تا برخی از قصه‌گویان سخن پردازی کنند؛ به ویژه اینکه برخی از این قصه‌ها در تورات هم نقل شده بودند و علمای یهود فرصت را مناسب دیده اصل داستان را از قرآن گرفته و شاخ و برگ را از پیش خود افزودند. آنان برای صحیح جلوه دادن سخنان خود آن را به جای تورات تحریف شده، به پیامبر و دیگر بزرگان دین نسبت می‌دادند. برخی از علماء بر آن شدند تا این پیرایه‌ها را از داستان انبیاء بزدایند و روایاتی صحیح و موافق اهداف قرآن از زندگی پیامبران عرضه کنند.

یکی از این بزرگان قطب الدين راوندی است. او در این باره، در مقدمه کتابش، ضمن اشاره به لطائف داستان پیامبران (که دعوت به نیکی می‌کنند، شک و نفاق را از بین می‌برند، و یادکرد داستانهایشان انسان را به اطاعت و عبادت خدا نزدیک می‌کند)، می‌گوید: «کتبی که در این موضوع نگاشته شده‌اند آکنده از سخنان غث و سمین و روایات بی ارزش و با ارزش است به یاری خدا خالص ترین آن را در کتابیم جمع کردم...».

راوندی کتابش را در بیست باب تدوین کرده است؛ کتاب او روایی است و اول هر فصل طرق روایت مؤلف تا مقصوم علیہ السلام گفته شده است.

مطالب کتاب به این ترتیب است:

بخش اول: داستان پدرمان آدم علیہ السلام؛ در این بخش داستان خلقت آدم و حوا، هبوط آدم و حوا به صفا و مروه، هبوط حجر الأسود، رؤیت آدم نور رسول خدارابر عرش، دفن آدم، قصه هابیل و قابیل و اولین خون روی زمین، حال آدم بعد از قتل هابیل، معرفی بنیانگذار بت پرستی و ... ضمن روایاتی نقل شده است.

بخش دوم: داستان ادريس و نوح؛ ادريس و پادشاه زمانه، داستان ادريس با ملک الموت، ویژگی های ادريس، مسجد سهله که ادريس بنادر کرده، صعود ادريس به آسمان از مطالب مربوط به ادريس هستند و در ادامه نبوت نوح، کشتی نوح، وصیت نوح به فرنوش سام و ... آمده است.

بخش سوم: داستان هود و صالح؛ در ضمن داستان هلاک قوم هود و قوم عاد، داستان «إرم ذات العمام (باغ شداد)» و اصحاب الرس نیز ذکر شده است.

بخش چهارم: داستان ابراهیم خلیل الله علیہ السلام؛ ولادت ابراهیم، توسل او به پنج تن آل عبایل علیهم السلام، هجرت به مکه، قصه صفا و مروه، ذبح اسماعیل و داستان ملاقات ماریا بن اوس با ابراهیم علیہ السلام از مطالب خواندنی این بخش هستند.

بخش پنجم: داستان لوط و ذوالقرنین؛ در این بخش ضمن اشاره به عاقبت بخل و فحشای قوم لوط، ذوالقرنین را مردی از اهل اسکندریه معرفی کرده که وقتی به سن رشد رسید مؤمن به خدا شد و

بخش ششم: داستان یعقوب و یوسف؛ اطعام سائل فقیر، توسل یوسف به رسول خدا علیه السلام، آگاهی یعقوب از زنده بودن یوسف، و قصه زلیخا بخشی از مطالب این بخش هستند.

بخش هفتم: داستان ایوب و شعیب؛ گرفتاری های ایوب و صبرش بر آنها، پیدا

شدن قبر شعیب در زمان هشام، امام باقر همچون شعیب امت، ابداع ترازو و... را می‌توان در این بخش خواند.

بخش هشتم: داستان موسی بن عمران؛ از مطالب شیرین این بخش دو مناجات منقول از حضرت موسی علیه السلام است.

بخش نهم: داستان بنی اسرائیل؛ در این بخش داستانهایی پندآموز از شخصیتهای بنی اسرائیل نقل شده است.

بخش دهم: داستان اسماعیل و لقمان؛ در این بخش افزون بر داستان اسماعیل صادق ال وعد، و نصائح لقمان به فرزندش، بیان شده است: با فضیلت ترین صدقه، صدقه زبانی است که با سخنی از ریخته شدن خونی جلوگیری شود و منفعتی به برادر مسلمانی برسد.

بخش یازدهم: داستان داود؛ فضیلت شاد کردن مؤمن و چگونگی نشر دوست داشتن خدا از مطالب این بخش هستند.

بخش دوازدهم: داستان سليمان؛ در این بخش از داستان بلقیس به همان که در قرآن آمده ارجاع می‌دهد و از بیان بیش از آن خود داری می‌کند.

بخش سیزدهم: ذوالکفل و عمران؛ صبر ذوالکفل بر آزار و اذیت مشرکان، پیامبری عمران پدر حضرت مریم علیها السلام در این بخش بیان شده است.

بخش چهاردهم: داستان زکریا و یحیی؛ افزون بر ولادت وزهد یحیی، قتل زکریا، تحریم ازدواج با برادرزاده دیگر مطلب این بخش است.

بخش پانزدهم: إرمیا و دانیال؛ اسباب تسلط بخت نصر بنی اسرائیل، روزی بی حساب مؤمن، و تأثیرات خورشیدگرفتی و ماهگرفتگی در این بخش آمده است.

بخش شانزدهم: جرجیس و عُزیر و حزقیل.

بخش هفدهم: داستان شعیا و اصحاب اخدود و الیاس و یونس و اصحاب کهف و رقیم.



بخش هیجدهم: داستان عیسی؛ قصه مریم و ولادت عیسی، معجزات عیسی، استجابت دعای عیسی، داستان خالدبن عبیسی، بشارت عیسی به بعثت رسول خدا، مواعظ، ویژگیهای عیسی نسبت به یحیی از مطالب این بخش هستند.

بخش نوزدهم: دلایل نبوت رسول خدا^{علیه السلام} و معجزات آن حضرت؛

بخش بیستم: زندگانی رسول خدا^{علیه السلام}؛ در این بخش افرون بر جریان بعثت و دعوت مردم به اسلام، غزوه‌های حضرت نیز معرفی شده‌اند. اسمای ائمه^{علیهم السلام} و نام اوصیا از آدم تا امام زمان^{علیهم السلام} از دیگر مطالب بخش پایانی کتاب هستند. بنا بر شمارشی که مصحح قصص الأنبياء انجام داده در مجموع ۵۲ روایت، داستان و ماجرا در این کتاب نقل شده است.

مصادر و منابع راوندی در این کتاب

این کتاب به شکل روایی است و طرق نویسنده تا مقصوم^{علیهم السلام} در اول هر بخش آمده است. طرق روایتی راوندی در بسیاری از مطالب کتاب به شیخ صدوق رسیده است. کتابهایی که راوندی از آنها نام برده سه کتاب زیر هستند:

۱. صحیح بخاری (باب بیستم، ح ۸)؛

۲. صحیح مسلم (باب بیستم، ح ۵۵)؛

۳. کمال الدین شیخ صدوق (باب نوزدهم، ح ۲)؛

اما مهم‌ترین ویژگی قصص الأنبياء نقل بسیاری از مطالب کتاب النبّوة شیخ صدوق است. نقل راوندی از این کتاب مفقود - که تا قرن دهم ظاهراً در دسترس بوده - آنقدر زیاد است که بتوان قصص الأنبياء را تلخیصی از کتاب النبّوة شیخ صدوق شمرد. از همین رو، مؤسسهٔ ضحی (حسین درگاهی) بر اساس این کتاب و مجمع الیان، النبّوة را بازسازی و چاپ کرده است.

دیگر کتابی که راوندی از آن نقل کرده (تقریباً تمام بخش بیستم)، إعلام الوری طبرسی است.

قصص الأنبياء راوندی در کتب دیگر

قصص الأنبياء بعد از تأليف مورد توجه علماء قرار گرفته و ازان نقل بسیار شده است، از جمله كتابهایی که به تصریح از قصص الأنبياء راوندی نقل کرده‌اند موارد زیر را می‌توان بر شمرد:

كتاب مهج الدعوات سید بن طاوس، فلاح السائل، فرج المهموم، سعد السعود، مصباح كفعمي، حدائق الناظر محدث بحراني، ايقاظ من الهجعه شیخ حر عاملی، نور المیین جزائری و مستدرک الوسائل محدث نوری.

نسخه های خطی قصص الأنبياء

۱. نسخه مدرسه عالی سپهسالار (فهرست: ج ۵، ص ۴۰۴)؛ کتابت ۲۲ ذی حجه ۱۰۸۹ق به خط عزیز بن مطلب جزائری.
۲. نسخه کتابخانه ملی تهران به شماره ۵۹ ج ۲۴۸۹، کتابت ۱۵ شوال ۱۰۷۹ به خط علی بن محمد.
۳. نسخه کتابخانه مسجد اعظم به شماره ۵۹۷، کتابت شنبه دهم ربیع الاول ۱۱۳۲ق به خط محمد بن حسن شاطری.
۴. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۸۲۲، کتابت ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۱۹ق، به خط احمد بن رجب علی تبریزی.
۵. نسخه دانشگاه تهران به شماره ۶۴۱.
۶. نسخه کتابخانه ممتاز العلماء در لکهنو هند به شماره ۱۲۱.
۷. نسخه مدرسه نمازی در شهرستان خوی به شماره ۴۲۱.
۸. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۱۳۴.
۹. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۰۵۷.
۱۰. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۶۲۵۹.

و ...

چاپهای قصص

شایان ذکر است که چهار نسخه اول اساس تصحیح قصص الانبیا در کتابخانه علامه مجلسی بوده و فهرست نسخ از مقدمه مصحح اخذ شده است.

۱. تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، موسسه مفید، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م، بیروت؛

این چاپ بارها افست شده از جمله در انتشارات آستان قدس رضوی ع.

۲. تحقیق عبدالحليم عوض الحلی، مکتبه علامه مجلسی، ۱۳۸۸ش / ۱۴۳۲ق،

قم.

این چاپ در دو جلد عرضه شده است؛ دو مقاله در ابتدای آن (۱۷۰ صفحه) از ویژگی‌های این چاپ است. مقدمه اول شامل سخنان محقق کتاب و مقاله‌ای از آقای سید حسن موسوی بروجردی است. آقای موسوی در مقاله‌اش به معرفی النبّة و مصادر آن و ارتباط این کتاب و شیخ صدوق با راوندی و قصص الانبیا پرداخته و روایاتی را که از النبّة در قصص الانبیاست - چه آنجاکه راوندی تصریح کرده و چه آنجاکه روایات النبّة را فقط از طریق سند می‌توان شناخت - مشخص کرده است. این کار می‌تواند به کمک کسانی بیاید که می‌خواهند النبّة را از طریق کتاب قصص الانبیا بازسازی کنند.

در ادامه عبدالحليم عوض الحلی به معرفی قطب الدین راوندی و قصص الانبیا و نسخه‌های خطی آن پرداخته است.

منابع

۱. ترجمه نهج البلاغه حسین انصاریان.

۲. مجله ترانا (شماره‌های ۹۸ - ۹۷) مقاله «بین الصدوق والقطب الراوندی دراسة فی کابیهما النبّة و قصص الانبیاء» از سید حسن موسوی بروجردی؛

۳. مجله نشردانش مقاله «نسخه‌ای ناقص از کتاب النبّة صدوق» از حسن انصاری.

۴. مقدمه عبدالحليم عوض الحلی بر تصحیح قصص الانبیاء.